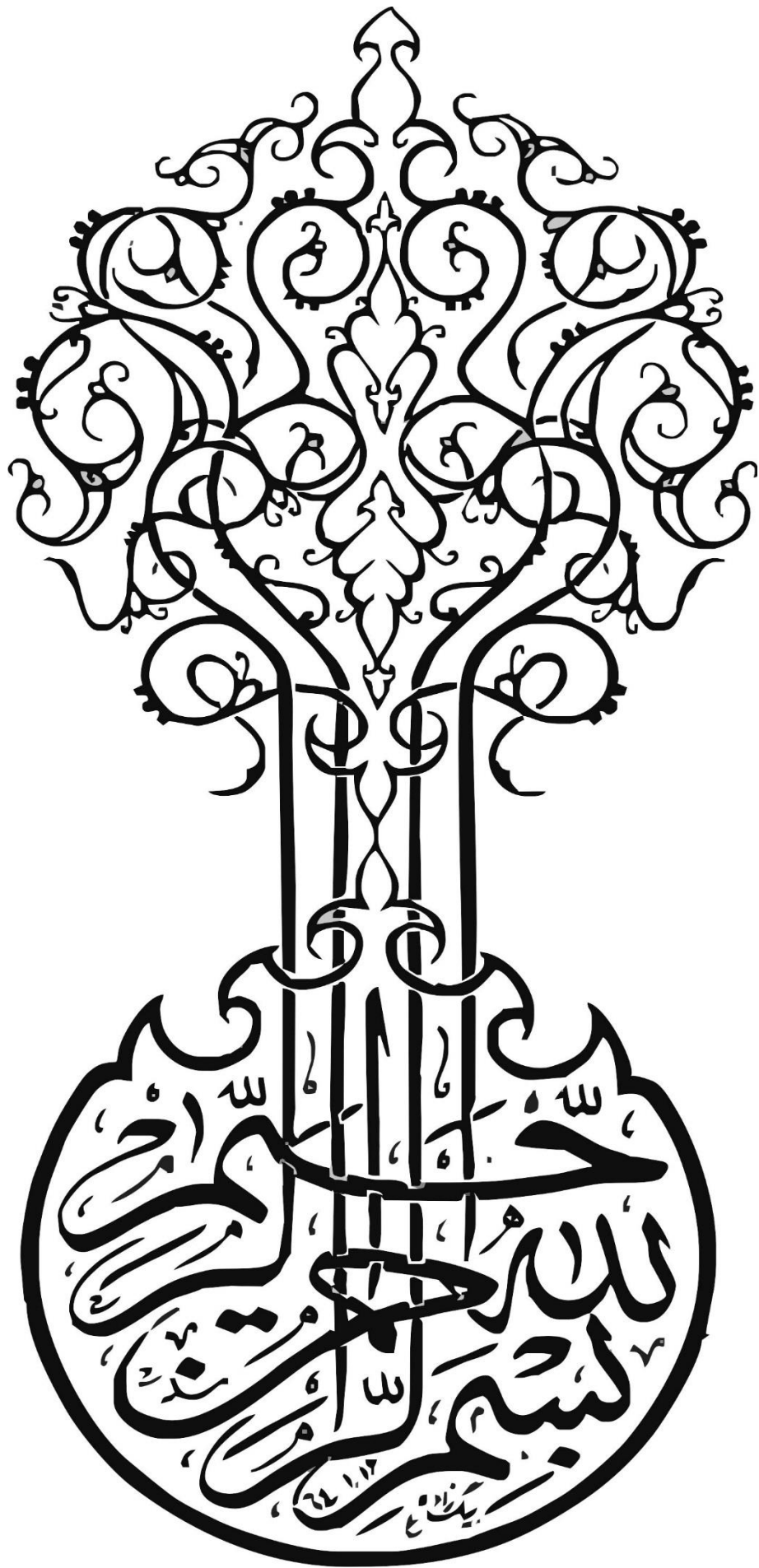




درس اخلاق حرفه‌ای



رشته مدیریت حرفه‌ای امور اداری

مقطع کاردانی ۱۳۹۸-۱۳۹۷



استاد تیموری تبار



تهیه و تایپ : علی پورعباسی و محمد احمدی

تعاریف و مفاهیم

با توجه به اینکه فضای دینی و فرهنگی کشور ما متأثر از مکتب اسلام است؛ تبیین جایگاه فعالیت های اقتصادی در این مکتب، در شکل دهی و جهت گیری برنامه های خرد و کلان اقتصادی کشور بسیار حائز اهمیت است. لذا باید با بینشی روشن، جامع، صحیح و همه جانبه و به دور از افراط و تفریط، راه صحیح فعالیت های اقتصادی را از مکتب اسلام فرا گرفت و با جدیت و پشتکار آن را پیمود.

جهان بینی اسلام

یکی از اساسی ترین مبانی هر نظام و مکتب فکری، جهان بینی آن نظام یا به عبارت دیگر نوع نگرش آن نسبت به جهان هستی است.

باید دانست، قرآن کتاب داستان و تاریخ نیست، همچنین دقسه هایی که قرآن نقل می کند به منظور ذکر عجایب و حوادث و اتفاقات غیر قابل تکرار و نادر یا تصویر صحنه ایی دراماتیک که اهمیتش در کمیابی آن است نیز نیست و به این منظور قصه نمی گوید. قرآن کتابی دینی و تربیتی است که صحنه هایی عبرت آموز به مردم نشان می دهد تا روش صحیح را بیاموزند، تربیت شوند و قصه را تکرار کنند.

انسان شناسی اسلام

انسان چگونه موجود و مخلوقی است، بی اراده و ابزار گونه که روی زمین آمده تا برنامه و مسیری را که خدا از قبل برایش ترسیم و معین کرده طی کند و برود یا موجودی است آزاد و مختار، فعال و موثر بر زندگی خود و محیط پیرامونش؟ آیا موجودی است پاک و متمایل به خیر و صلاح یا موجودی بالفطره شرور با ذاتی پلید و گرایش و میل به بدی؟ در مکاتب مختلف فکری، دیدگاه های متفاوتی درباره انسان وجود دارد.

قرآن کریم در آیات ۳۰ تا ۳۸ سوره بقره چگونگی آفرینش انسان را تشریح کرده و جایگاه او را در عالم هستی تبیین می کند. به موجب این آیات شریفه، خداوند اراده کرده است که خلیفه ای روی زمین مستقر کند، نه موجودی چونان ابزار بی اراده یا شبیه به آن، بلکه مشیت خداوند بر آفرینش موجودی تعلق گرفته است که بتواند بر طبق اراده و اختیار خود عمل کند و در اعمال ارادی و اختیاری، آزادی خویش را به آزمایش گذارد.

سعادت و کمال

سعادت و کمال مطلوب ذاتی و واقعی انسان است و همانگونه که ارسطو می گوید: «ما سعادت را همیشه بخاطر خودش بر می گزینیم، نه به لحاظ غایت دیگری؛ برعکس شرافت، لذت و خرد و هر فضیلت دیگری»

بنابراین همه‌ی خواسته‌های انسان طبعی است یعنی آنها را برای وصول به چیز دیگری می‌خواهد به جز یک خواسته یعنی سعادت که ذاتاً مطلوب و خواستنی است.

تعریف اخلاق حرفه‌ای:

در ره‌یافت اول که ره‌یافت سنتی است، اخلاق حرفه‌ای را همان اخلاق کار یا مشاغل می‌دانند. یعنی اخلاق حرفه‌ای عبارت است از بیان اصول، قوائد و قوانین اخلاقی که هر فرد به مقتضای شغلی که دارد باید آنها را رعایت کند و اخلاق حرفه‌ای، کار و شغل معادل یکدیگر دانسته می‌شود. ره‌یافت دوم و جدید که در دهه‌های اخیر رواج یافته، رویکرد مدیریت استراتژیک به اخلاق حرفه‌ای است. در این ره‌یافت به مسئولیت‌پذیری سازمان با نگرش سیستمی توجه می‌شود.

منشور اخلاق حرفه‌ای:

در دنیای امروز که اقتصاد مبتنی بر دانش، جای خود را به اقتصاد سنتی داده است، موفقیت سازمان‌ها دیگر فقط در گروی داشتن دارئی‌های مشهود و فیزیکی بیشتر نمی‌باشد؛ بلکه دارائی‌هایی به مراتب ارزشمندتر از دارائی‌های فیزیکی همچون دانش و قابلیت‌های کارکنان، روابط با مشتریان، کیفیت محصولات و خدمات، فن‌آوری اطلاعات، فرهنگ و اخلاق سازمانی، نقش تعیین‌کننده‌ای در موفقیت و کامیابی سازمان‌ها دارند و لذا عدم توجه به آنها می‌تواند صدمات و خسارات جبران‌ناپذیری بر سازمان‌ها وارد کند. یکی از مهمترین این دارائی‌های نامشهود دستیابی به اخلاق سازمانی است. نقش راه‌بردی اخلاق سازمانی در موفقیت آینده‌ی سازمان غیر قابل انکار است و میان موفقیت بنگاه‌ها و سازمان‌ها در کسب و کار و اخلاقی بودن آنها ارتباط تنگاتنگی وجود دارد.

جایگاه و اهمیت کار در اسلام

در اندیشه یونان باستان از آنجا که کار اقتصادی به بردگان اختصاص داشت، فعالیت تحقیرآمیز و پست شمرده می‌شد. در دیدگاه آنها فعالیت برای زنده ماندن از وجوه مشترک انسان و حیوان است، و شأن انسان در زندگی تفکر سیاسی و معنوی اوست، نه تلاش برای کسب معاش. لذا آنها با برده کردن دیگران خود را از انجام کار اقتصادی آزاد می‌کردند. در قرون وسطی با حاکمیت کلیسا بر اروپا، تشویق به انجام کار برای کسب درآمد ضروری وجود داشت و گاه نیز به علت فسادآور بودن بیکاری، به کار بصورت امر اخلاقی سفارش می‌شد. در دوران رنسانس شکل‌گیری عقاید جدید درباره‌ی انسان، دین و دنیا باعث شد تا تلاش و کار اقتصادی جایگاه و اصالت خاصی یابد.

اما درباره‌ی اسلام قضیه طور دیگری است. جمله‌ای از "ویل دورانت"، تاریخ نویس مشهور وجود دارد که بسیار شگفت‌انگیز است. او می‌گوید: «هیچ دینی به اندازه‌ی اسلام پیروانش را به قدرت فرا نخوانده است».

استاد شهید مرتضی مطهری به نقل از اقبال لاهوری می‌گوید: «علت عقب افتادگی مسلمانان، اسلام نیست بلکه این مسلمانی آنهاست».

ارزش کار در اسلام:

کلمه‌های کار، تلاش، حرکت، عمران، آبادی و تولید، انسان را به نشاط درآورده و او را از رخوت و سستی دور می‌سازد. زندگی انسان بر محور کار بنا نهاده شده و آینده‌ای زیباتر برای او رقم می‌زند.

الف) مبانی بینشی کار

در جهان بینی اسلامی، کار مفهوم ویژه‌ای دارد و آثار آن، تمام صحنه‌ی هستی را دربر می‌گیرد و دنیا و آخرت را بهم گره می‌زند و پرتو و جلوه‌ای از کردار الهی معرفی می‌شود. در این بخش با توجه به مجموعه‌ی جهان بینی دینی، جایگاه کار را مشخص می‌کنیم.

۱) توحید

اولین و اساسی‌ترین رکن از ارکان جهان‌بینی اسلام «توحید» است. توحید یعنی یکی دانستن و در اصطلاح به معنی یکی دانستن خدا و مبدأ هستی است. اعتقاد، ایمان و باور به خدای واحد و یکتا که از اسماء هستی و مثل اعلا از آن اوست و از هر جهت بی‌مانند و بی‌همتاست آثار روحی و تربیتی فوق‌العاده‌ای را بر انسان می‌گذارد که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱) تعمق در تجرد ذات حق و دوری گزیدن از تشبیه و همانندی برای حضرتش و برتری و تعالی آن ذات یگانه از هرگونه ارتباط ویژه‌ای به فرد شیء یا پدیده‌ای.

۲) همه استعدادها و نیروهای آدمی را در جهت هدفی واحد به خدمت می‌گیرد.

۳) انسان را به سوی هدف نامتناهی سوق می‌دهد.

۴) انسان را از مخالفت‌ها و مزاحمت‌های دیگران مصوم می‌دارد.

۵) نیروهای جمعی را، در یک هماهنگی رقابت‌آمیز، متحد می‌کند.

۶) هرکس فقط مالک دسترنج خویش است و جز حاصل سعی خود چیزی نخواهد داشت.

۲) خلافت انسان

انسان در دیدگاه اسلام، جانشین خداوند بر روی زمین است. او نسبت به تمامی اسماء، علم و آگاهی دارد و مسجود همه‌ی فرشتگان است. زیرا جانشین یعنی کسی که مسئولیت می‌پذیرد و با آگاهی رفتار می‌کند، پس کسی می‌تواند جانشین خدا در زمین باشد که مسئولانه و آگاهانه رفتار کند و اهداف خدای

سبحان را اجرا نماید و چنین کسی چیزی شبیه به ابزار نیست که جبراً یکسری تکالیف و وظایف را به انجام رساند بلکه موجودی مختار و آزاد است که خود راه را برمی‌گزیند و عمل می‌کند .

بنابراین انسان مخلوق خدا و خلیفه‌ی او تنها عنصری است که در تحول جهان نقش دارد . او می‌تواند به بهره‌مندی از قدرت علم و آموختن، نیروهای جهان را کشف و درک کند و پس از اکتشاف، آنها را به تسخیر درآورد و در آنها تصرف کند و بدین صورت بر آنها غلبه یابد .

درک این معنا از خلیفه‌ی الهی بشر یعنی، مسئولیت‌پذیری و آگاهی نسبت به همه موجودات، تأثیر بسیاری بر افعال و کردار آدمی می‌گذارد .

۳) همسویی و هماهنگی با مجموعه عالم

همه موجودات عالم هستی با فعالیت و تلاش خود در واقع در حال سجده و تسبیح و ستایش خداوند یگانه‌اند و لحظه‌ای از فرمان و حمد او سر نمی‌پیچند .

حال در این عرصه، اگر انسان به کار و تلاش و فعالیت ارادی در جهت مسئولیت‌ها و تکالیف خود مشغول باشد در واقع به حرکت هماهنگ و یکپارچه کاروان کائنات در تسبیح و تقدیس خداوند پیوسته است و این اتحاد و پیوستگی با کاروان هستی حقیقت و معنای اسلام و تسلیم است . انسان بیکار و به دور از تلاش، از مورچگان نیز کمتر است .

۴) رابطه سعادت با عمل

در آموزه‌های اسلامی، عمل انسان صریحاً مورد توجه و تکریم بسیار واقع شده و در سعادت و شقاوت حقیقی آدمی، تأثیر هرگونه عامل خارجی نفی گردیده و تنها راه وصول به سعادت و شقاوت «عمل» دانسته می‌شود . در قرآن کریم آمده است : «هر نفسی در گرو کاری است که کرده است» .

بنابراین تنها، عمل انسان است که تاریخ را می‌سازد، آن را تغییر می‌دهد، متحول می‌کند و به پیش می‌برد.

۵) رابطه‌ی ایمان و عمل

میان ایمان و عمل صالح، رابطه‌ای مستقیم و دوسویه وجود دارد، یعنی عمل صالح از آثار و نتایج ایمان و عقیده است و از سوی دیگر عمل صالح ضامن بقاء و حافظ ایمان و عقیده است و بدون وجود آن ایمان از بین می‌رود .

ب) مبانی ارزشی کار

۱) محبوب بودن و قداست کار

عبادت هفتاد پاره و برترین آن، طلب حلال است .

امام موسی‌بن جعفر (ع) فرمود : «آن که در پی کسب روزی حلال برای تأمین معاش خود و خانواده برآید، مانند مجاهد در راه خداست» .

امیرمؤمنان علی (ع) نیز فرمود : «خداوند، صاحب حرفه درستکار را دوست دارد» .

۲) منفور بودن بیکاری

در مکتب اسلام، بیکاری و نیازمند دیگران بودن، امری ناپسند شمرده شده است. خداوند متعال زیاد خوابیدن و بیکاری را دشمن می‌دارد. سستی و کاهلی، دشمن کار و تلاش است؛ آن که در امر تأمین معاش خود سستی کند، خیری از او برای دنیایش انتظار نیست.

(۳) ارتباط کسب حلال و دینداری

کسب مال حلال، سبب حفظ دین و آخرت شخص می‌شود. از امام صادق (ع) نقل شده است: «طلب روزی حلال را رها نکن که یاور دین تو است».

پیامبر هرگاه شخصی در نظرش بزرگ می‌آمد، از شغل او می‌پرسید. اگر شغل نداشت، از چشم و نظرش می‌افتاد و می‌فرمود: «مؤمن اگر شغل نداشته باشد، از دین خود ارتزاق می‌کند».

بنابراین بیکاری سبب تباهی و از بین رفتن دین و کسب و کار حلال، باعث حفظ و بقای دین می‌شود.

(۴) وجوب کسب معیشت

از واجبات مسلم بر هر فرد مؤمن، لزوم انجام کار اقتصادی برای تأمین زندگی خود و خانواده است و شخصی که می‌تواند کار کند، استفاده از زکات مخصوص فقیران بر او حرام است.

پیامبر اسلام (ص) فرمود: «صدقه و زکات برای شخص بی‌نیاز، نیرومند و سالم و صاحب مهارت و توانا جایز نیست» و امام باقر (ع) در توضیح آن بیان می‌دارد: «اگر می‌تواند خود را از زکات بی‌نیاز سازد، جایز نیست آن را بگیرد».

(۵) مطلوب بودن آسایش زندگی

برای مؤمنان نعمت‌های بی‌شماری خلق شده و تا آنجا که اسراف و تبذیر تحقق نیابد، مصرف و بهره‌مندی از نعمت‌ها جایز است. خداوند می‌فرماید: «ای فرزندان عالم! زیورهای خود را در هر نماز بگیرید و بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید که خدا اسراف‌کاران را دوست نمی‌دارد؛ ای پیامبر بگو: زیورهایی را که خداوند برای بندگانش پدید آورده و روزی‌های پاکیزه را چه کسی حرام کرده است؟ بگو این نعمت‌ها در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده‌اند و روز قیامت نیز به آنها اختصاص دارد».

(۶) وظیفه‌ی اجتماعی انسان و خدمت رسانی به جامعه

مسئولیت اجتماعی شخص مؤمن، رفع نیازهای جامعه در حد توان است.

(۷) مطلوبیت ذاتی کار اقتصادی

کار اقتصادی افزون بر جهت کسب درآمد و رفع نیاز که باعث رغبت مؤمن به آن می‌شود، ارزش ذاتی نیز دارد و این مرتبه بالاتر از انجام کار به جهت کسب درآمد است.

صفات اخلاقی

اخلاص و یاد خدا

امام صادق (ع) در فایده و نتیجه‌ی اخلاص می‌فرماید: «هنگامی که مؤمن برای خدا اخلاص بورزد، خداوند همه چیز را از او می‌ترساند حتی حشرات زهردار زمین و درندگان آن و پرندگان آسمان را». برای روشن شدن موضوع بهتر است به مثالی اشاره شود. مثلاً چهار نفر دانشجو را در نظر بگیرید که در یک کلاس و یک رشته و با یک استاد در یک دانشگاه درس می‌خوانند، اولی تنها برای گذراندن دوره درس می‌خواند، دومی برای بدست آوردن نمره خوب درس می‌خواند، سومی درس می‌خواند تا بتواند در مقطع بالاتر موفق به تحصیل شود و چهارمی درس می‌خواند تا بتواند دانش خود را افزایش دهد تا با بکارگیری دانش خود در کسب و کار و حرفه‌ی مورد نظر خود، خدمت بزرگی به جامعه ارائه نماید و به تبع آن سود زیادی از دانش خود کسب کند. آیا برآستی این چهار نفر یکسان هستند؟ آیا نتیجه یکسانی بدست خواهند آورد؟

تصور کنید که برای انجام کاری تنها هستید، آن کار را چگونه انجام می‌دهید؟ حال فکر کنید در این اقدام همه‌ی کائنات با شما همراه هستند و حتی خالق همه‌ی آنها نیز با شما همراه است. اگر کاری را از یک نفر در رده‌های پائین دستور گرفته باشید چگونه عمل می‌کنید؟ قانداً هر جور که راحت تر بشود آن را تمام کرد. هر جور که میلتان باشد و هر جور که صلاح می‌دانید. اما هرچقدر مقامی که به شما کار را واگذار نموده است بالاتر باشد، سعی می‌کنید کار را همانطور انجام دهید که او خواسته است. تلاش می‌کنید ببینید او دقیقاً چه می‌خواهد و چه نتیجه‌ای انتظار دارد. حال اگر احساس کنید کاری که هم‌اکنون در حال انجام آن هستید مستقیماً از سوی خداوند به شما سپرده شده است هرچقدر هم که کوچک باشد (ذره‌ای) در پیشگاه خدا گم نمی‌شود و تأثیر خود را خواهد گذاشت.

صداقت و راستگویی

تنها سدی که در برابر وسوسه، استفاده از اصل حداقل مقاومت و عامل سرعت و سادگی وجود دارد؛ شخصیت است و تنها راهی که از طریق آن می‌توانید شخصیت خود را پرورش بدهید این است که در هر موقعیتی وقتی وسوسه می‌شوید که بجای کاری که صحیح و ضروری است به انجام کاری بپردازید که ساده و سریع است، اراده‌تان را بکار بگیرید.

فضیلت اصلی شخصیت انسان، راستگویی است. هر بار که حقیقت را بگوئید، هرچقدر هم که برایتان سخت باشد، احساس بهتری در مورد خودتان پیدا می‌کنید و احترام اطرافیان را هم کسب خواهید کرد. یکی از بهترین تعاریفی که می‌توانید از کسی بکنید بگوئید: «او همیشه حقیقت را می‌گوید».

پائین ترین نوع انسانها، آنهایی هستند که هیچ ارزش، فضیلت یا شخصیتی ندارند. این افراد همیشه بدلیل اینکه بدنبال کسب رضایت آنی هستند، راه حداقل مقاومت و عامل سرعت و سادگی را بکار می گیرند. در بالاترین سطوح تکامل نسل بشر زنان و مردان وجود دارند که صداقت کامل دارند. کسانی که هرگز صداقت و شخصیت شان را با چیزی معامله نمی کنند، چه آن چیز ضرر مالی، چه درد و چه مرگ باشد. صداقت و راستگویی یکی از مهم ترین و بدیهی ترین اصول و ارزش های اخلاقی است.

حضرت علی (ع) می فرماید: «راستی مایه ی درستی و بسامانی هر چیزی است؛ دروغ مایه ی فساد و تباهی هر چیزی است.»

امانتداری

حضرت علی (ع) خطاب به کارگزاران و کارکنان حکومت خویش به همین مسئله اشاره کرده و می فرماید: «همانا کاری که به عهده ی توست طعمه ای برایست، بلکه امانتی است بر گردنت».

صبر و استقامت

انسان ها بدون استثناء بدنبال سریع ترین و راحت ترین راه هستند تا با کمترین نگرانی یا بدون نگرانی در مورد عواقب بلندمدت رفتارهایشان چیزهایی را که می خواهند بدست بیاورند. به عبارت دیگر اکثر مردم کاری را انجام می دهند که سریع و ساده باشد؛ کاری که با انجام دادن آن به آنها خوش بگذرد و انجام آن راحت باشد نه کاری که برای رسیدن به موفقیت ضروری است. در این صورت قربانی دو قانون خواهید شد. اولین قانون «قانون پیامدهای ناخواسته» است. این قانون می گوید: «پیامدهای ناخواسته یک کار به دلیل عدم وجود تفکر بلندمدت می تواند بسیار بدتر از پیامدهای موردنظر آن کار باشد.»

دومین قانون «قانون پیامدهای منحنی» نام دارد که می گوید: «یک کار کوتاه مدت که به منظور کسب رضایت فوری انجام می شود می تواند به پیامدهایی منجر شود که با آنچه در ابتدا مورد نظر بود مخالف است» راه رهایی از این پیامدهای ناگوار و ناخواسته، صبر و شکیبایی در رسیدن به اهداف و خواسته ها و صرف نظر کردن از برخی خوشی ها و لذات زودگذر است.

صبر به معنی خوشتنداری، حبس نفس، شکیبایی و خودداری از شکایت از ناگواری ها و سختی هاست. تحقق صبر حاکی از قدرت روحی انسان است و با برداشت عامیانه از آن که به معنی نوعی عقب نشینی، کوتاه آمدن، دست برداشتن و قدم پیش نگذاشتن بوده و ناشی از ضعف نفس و عدم اعتماد به نفس می باشد، بسیار متفاوت است.

حضرت علی (ع) در این باره می فرماید: «شخص صابر پیروزی را از دست نمی دهد، اگر چه زمان آن طول بکشد».

در قرآن کریم هم طی آیات متعددی به است حقیقت اشاره شده که صبر از منابع قدرت و عامل پیروزی و همراهی و نصرت الهی است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید از صبر و نماز کمک بگیرید، بدرستی که خداوند با صابران است».

روشهای تحقق صبر

❖ روش تکرار و تمرین

دلیل اصلی موفقیت، استقامت است و به همین ترتیب دلیل اصلی شکست عدم وجود استقامت و زود تسلیم شدن است. انسان فاقد بردباری و صبر، فاقد اختیار خویش است و پیوسته اسیر تصمیم‌گیری‌های تند و رفتار نادرست می‌شود و اگر انسان در شغل و کار خود نتواند در برابر مشکلات و گرفتاری‌های کاری صبوری کند، نمی‌تواند در مواقع لزوم تصمیمات درستی بگیرد و شتابزده و پریشان کار کرده و خود را در ورطه‌ی شکست و ناکامی انداخته و از خیر و برکات بسیاری محروم می‌شود.

حضرت علی (ع) می‌فرماید: «اگر بردبار نیستی خود را به بردباری وادار، چه کم است کسی که خود را همانند مردمی کند و از جمله آنها نشود».

بهره‌گیری از نقش سازنده‌ی مشکلات

یکی دیگر از روش‌های تربیتی برای پرورش قوای روحی، استفاده از نقش سازنده مشکلات است. نقش سازنده مشکلات در پرورش و تقویت قوای روحی افراد، همانند عمل واکسیناسیون جهت ایجاد و تقویت قدرت بدنی است.

حضرت علی (ع) برای تبیین این مسئله و آگاه کردن افراد از نقش سازنده مشکلات در تقویت قوای روحی آنها، تشبیه زیبایی در نهج‌البلاغه به کار برده و افرادی که با مشکلات انس داشته و در نتیجه دارای قدرت روحی‌اند به درختان بیابانی و افراد ضعیف و راحت طلب را به درختان باغ و سبزه‌زار تشبیه کرده و می‌فرماید: «آگاه باشید! همانا درخت بیابانی (که آب کمتر به آن می‌رسد) چوبش سخت‌تر است و درختان سبز و خرم (که در باغ‌های پر آب کاشته می‌شوند) پوستشان نازک‌تر است و شعله‌ی آتش گیاهان بیابانی افروخته‌تر و خاموشی آنها دیرتر است.» طبق فرمایش حضرت امیر (ع)، خیر نه در مال زیاد بلکه در بردباری بسیار است: «خیر آن نیست که مال و فرزندان بسیار شود بلکه خیر آن است که دانش فراوان گردد و بردباری‌ات بزرگ مقدار».

خستگی ناپذیری

(الف) خستگی جسمی: که همان خستگی فیزیولوژیک است. یعنی در اثر تلاش و فعالیت بدنی، عضلات خسته می‌شوند، قوای بدن به تحلیل می‌روند، مواد ذخیره نیز کاهش می‌یابند و سموم به جا مانده از مصرف مواد ذخیره افزایش می‌یابد.

ب) خستگی روحی: که جلوه‌ی آن دلسردی و بی‌میلی نسبت به کار و فعالیت، دلمردگی، دلزدگی، و بریدگی از تلاش و کار است. این خستگی روحی یعنی دلسردی و دلمردگی در کار و فعالیت یکی از مهمترین و بزرگ‌ترین آسیب‌ها در حوزه کسب و کار بوده و مانع پیشبرد اهداف کار و موفقیت و ساماندهی امور می‌گردد.

خستگی ناپذیری در کار، آثار و فواید بسیاری دارد و برای تبیین بیشتر، اهمیت و جایگاه این ارزش اخلاقی، به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

الف) نشاط و خوشرویی: انسان نستوه و خستگی ناپذیر، همواره با نشاط و بهشاش است و فرد گرفتار خستگی روح، دچار گرفتگی خاطر، بدخلقی با همکاران و مردم، ترش‌رویی و افسردگی است.

ب) استحکام در کار: یکی دیگر از ثمرات و جلوه‌های خستگی ناپذیری، اتقان عمل، محکم‌کاری و استحکام فعالیت‌هاست. رسول گرامی (ص) می‌فرماید: «هرگاه یکی از شما کاری می‌کند باید آن را متقن و استوار انجام دهد».

ج) حضور ذهن: ثمره دیگر خستگی ناپذیری، دریافت صحیح دیده‌ها و شنیده‌ها، نگهداری دقیق آنها در ذهن و یادآوری روشن و بهره‌برداری مناسب از مجموعه‌ی اطلاعات و یافته‌هاست. فراموشی موجب عدم اقدام به موقع، اختلال در انجام تعهدات و قرارها و عبور مسامحه‌آمیز از کنار امور مهم می‌شود.

د) مداومت: از ثمرات قابل توجه خستگی ناپذیری، مداومت سباط قدم و پشتکار است. امام علی (ع) می‌فرماید: «کم همیشگی، بهتر است از بسیار قطع شدنی». امام باقر (ع) فرمود: «چیزی نزد خداوند محبوب‌تر نیست از عملی که ادامه داده شود اگرچه اندک باشد». و از حضرت عیسی‌بن مریم هم نقل شده: «ای یاران به حقیقت برای شما می‌گویم: برای سستی که مردم می‌گویند عمارت به پایه و اساس آن است و من این سخن را نمی‌گویم. یاران پرسیدند: پس شما چه می‌گویید؟ فرمود: برای سستی اساس، آخرین سنگی است که کارگر بر عمارت می‌نهد».

هـ) امید: جلوه دیگر روحیه خستگی ناپذیر، امید و چشم داشت آینده‌ای روشن و خرم است. در مقابل، از عوارض روحیه خسته، یأس و ناامیدی، احساس بی‌آینده بودن، و بالاخره احساس بی‌استی است.

خوش رفتاری

خدا پیامبر خود را که رهبر و حاکم جامعه اسلامی بوده بخاطر اخلاق والایش ستوده است: «إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ»

پیامبر گرامی اسلام حسن خلق را از صف دین معرفی کرده است. امام باقر (ع) می‌فرماید: «برای سستی کاملترین مدافعان در ایمان خوش خلق‌ترین آنهاست».

گشاده رویی، فروتنی و نرم خوئی عامل پیوند قلبها و نفوذ در دلهاست. چنانچه امیرمؤمنان در حکمتی والا فرموده است: «گشاده رویی زمینه ساز دوستی است». در روایات متعددی اخلاق نیکو بعنوان یکی

از عوامل گشایش در رزق و روزی و اخلاق بد بعنوان یکی از عوامل تنگدستی و فقر معرفی شده و می‌فرماید: «گنجهای رزق در اخلاق خوب نهفته است». یا «اخلاق نیکو موجب زیادت در روزی می‌شود»

انتقاد پذیری

همه از سانه‌ها به دلایل مختلفی همچون محدودیت‌های فکری و علمی، تمایلات و خواهش‌های نفسانی یا فراموشی در معرض لغزش قرار دارند که باعث نتایج زیانبار بسیاری در زندگی انسان می‌شود که در این میان یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین راه‌های شناخت خطاها و کاستی‌ها، نقدها و نصایح اطرافیان از انسان است. حضرت علی (ع) طی فرمایشی به نقل از پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «هرگز امتی را پاک از گناه نخوانند که در آن امت بی آنکه بترسند و در گفتار درمانند حق ناتوان را از توانا بستانند».

در شرکت‌هایی که در فعالیت‌های اقتصادی خود هنگامیکه مرتکب اشتباهی شده‌اند آنرا پذیرفته و در صدد اصلاح آن برآمده‌اند، اگر چه ظاهراً در ابتدا متحمل خسارت‌های مادی شده‌اند، اما در مقابل سرمایه‌ای بسیار گران‌بها تر و با ارزش‌تر به دست آورده‌اند و آن اعتماد بسیار زیاد مشتریان خود بوده است و البته به تبع آن از منافع و سود مادی آن نیز بهره‌مند شده‌اند، به گونه‌ای که نه تنها خسارت ابتدائی‌شان جبران شده بلکه به سود بیشتری هم دست یافته‌اند.

انضباط کاری

انضباط کاری یعنی سامان‌پذیری، آراستگی، نظم و ترتیب و پرهیز از هرگونه سستی و بی‌سامانی در کار و این از عمده‌ترین اصول و آداب اخلاقی کار است و هیچ سازمان و نظامی بدون رعایت آن نمی‌تواند به اهداف خود دست یابد. اساساً نظم و وقت‌شناسی از اموری است که در اسلام توجه خاصی به آن شده و به مسئله‌ی کسب و کار اختصاص ندارد. مثلاً در دایره‌ی عبادی همچون نماز، روزه، حج و ... هم نظم خاصی حاکم است و باید آنها را در زمانهای معین و با شرایط خاصی انجام داد. حضرت علی (ع) در وصیت‌نامه خود پس از تقوای الهی سفارش به نظم می‌کند.

وجدان کاری

وجدان را اینگونه تعریف می‌کنیم: «انسان، پس از آنکه موقعیت خود را در برابر حادثه‌ای دریافت، کششی درونی به سوی تشخیص خود می‌یابد». لازم بذکر است؛ انسانها از دیدگاه فلسفی، دارای واقعیت مستقلی بنام «وجدان» نیستند، بلکه آنچه به وجدان نسبت داده می‌شود، نوعی نگرش نسبت به ادراکات عقلی است. فعالیت وجدان، همانند سایر پدیده‌های روانی، پدیده‌ای شخصی و متغیر است که از عوامل خاصی برانگیخته می‌شود و از این روست که از وجدان تعبیرهای گوناگونی از قبیل: قاضی امین، راهنمای مطمئن، شکنجه دیده یا شکنجه‌گر به چشم می‌خورد. بطور کلی دو نوع کار به وجدان نسبت داده می‌شود:

۱) درک کردن، مانند اینکه گفته می‌شود وجدان من می‌گوید: «باید این کار را انجام دهم».

۲) قدردانی و سرزنش کردن، یعنی وجدان آدمی از یک سو، انسان را در مقابل کارهای بدش سرزنش کرده و از سوی دیگر در برابر کارهای نیکش قدردانی و ستایش کرده.

(ثمرات وجدان کاری)

الف: استفاده بهینه از نیروی انسانی .

ب: کاهش نظارت و کنترل‌های خارجی .

ج: نوآفرینی و خلاقیت .

د: ایجاد انضباط کاری . **→ → سؤال امتحانی**

توجه به نکات ذیل می‌تواند در ایجاد و تقویت وجدان کاری در سازمانها مؤثر باشد :

(۱) براساس بررسی‌های انجام شده نیازهای جسمی و بنیادی سهم بسزایی در هدایت افراد بسوی اهداف از پیش تعیین شده دارند و اگر نیازهای معیشتی و اساسی افراد تأمین شده باشد، در آن صورت آنها می‌توانند با فراق خاطر به دنبال اصلاح و ارتقاء کار باشند و از همه‌ی توان و استعداد خود برای پیشبرد اهداف سازمان استفاده کنند .

(۲) می‌توان با استفاده از ارزشهای دینی تمایل کارکنان را به کار افزایش داد . احساس مسئولیت در برابر خدا جامعه و منابع طبیعی، پرهیز از اسراف، قداست کار و ... نمونه‌هایی از ارزشهایی هستند که می‌توان از آنها در ایجاد و تقویت وجدان کاری بهره جست .

(۳) انجام کار به شکل صحیح و کامل به مهارت و توانایی جسمی وابسته است . بدین جهت کارکنان در صورت عدم توانایی، نمی‌توانند کار خود را به نحو مطلوبی ارائه دهند . در نتیجه باید بین کار مورد نظر و توانایی افراد هماهنگی و تناسب برقرار شود زیرا وقتی نیروی کار فاقد مهارت، دانش و تخصص کافی جهت انجام یک کار باشد، طبیعتاً نسبت به آن احساس مسئولیت کمتری هم می‌کند و حتی بسیاری از خطاها و اشتباهات خود را ناشی از جهل یا ضعف خود دانسته و لذا بهره‌وری در کار کاهش می‌یابد .

پرهیز از شتابزدگی و عجله

شتاب و عجله برای زودتر رسیدن به هدف یک صفت مذموم اخلاقی است و اگر چه برای همه اقشار در بخش‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی آثار سوء فراوان دارد، لکن در کسب و کار منشأ خطرات و زشتی‌های بیشتری خواهد بود، بخش قابل توجهی از مشکلات و نابسامانی‌هایی که در حوزه تجارت و اقتصاد رخ می‌نماید ناشی از همین اخلاق است . امام علی (ع) در فرمان خویش به مالک اشتر : «ای مالک بترس از شتابزدگی در کارها، پیش از آنکه زمانش فرا رسد» .

راه‌های پیشگیری از شتابزدگی

(۱) تأمل قبل از عمل .

(۲) تعدیل حُسن ظنّ و سوء ظنّ .

(۳) مشورت .

تهذیب نفس و تعالی شخصیت

استاد شهید مطهری در کتاب خود با عنوان «تعلیم و تربیت در اسلام»؛ کار را یکی از عوامل تزکیه نفس معرفی می‌نماید و می‌گوید همانطور که انسان کار می‌سازد، کار نیز شخصیت انسان را رشد می‌دهد، یعنی انسانها با توجه به اینکه مشغول چه فعالیت‌هایی باشند و در چه محیطی کار کنند، خصوصیات خلقی، رفتاری و شخصیتی آنها تغییر می‌کند.

انفاق

مسئله‌ی انفاق متکی بر یک اصل اساسی در جهان‌بینی اسلامی است و آن اصل این است که انسان به کمال نمی‌رسد مگر اینکه بخشی از آنچه که دوست دارد را ببخشد. خداوند در قرآن می‌فرماید: «نیکی را در نخواهید یافت تا آنگاه که از آنچه دوست می‌دارید انفاق کنید و هر آنچه انفاق می‌کنید خدا به آن آگاه است».

همکاری

همانطور که در تشریح انفاق گفته شد؛ انفاق انواع گوناگونی دارد که با فرض قبولی انفاق با شرایط و لوازم آن می‌توان روحیه همکاری را در افراد زنده کرد. خدا در قرآن می‌فرماید: انفاق کنید و با دست خود، خود را به هلاکت نیاندازید. برخی معتقدند معنی این آیه این است که در انفاق زیاده‌روی نکنید، اما برخی دیگر مانند امام موسی صدر معتقدند که در این آیه جمله دوم نتیجه حتمی جمله اول است و تأکیدی بر این است که انفاق نکردن به علت مشکلات اخلاقی و اجتماعی که در پی دارد؛ در معرض هلاکت جمعی قرار گرفتن است.

مخاطرات کسب و کار

غرور و تکبر

امیرمؤمنان حضرت علی (ع) می‌فرماید: از تکبر و خود پسندی و از تفاخر جاهلی بر حذر باشید که جایگاه بغض و کینه و رشد و سوسه‌های شیطانی است.

یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در مبارزه با این آفت خطرناک، یادآوری عظمت و کبریائی خداوند و ناچیزی و کوچکی خود در مقابل اوست و همچنین حضرت علی (ع) در این باره می‌فرماید: و اگر قدرتی که از آن برخوردار، نخوتی در تو پدید آرد و خود را بزرگ شماری، بزرگی حکومت پرودگار را که برتر از توست بنگر که چیست و قدرتی را که بر تو دارد و تو را بر خود آن قدرت نیست، که چنین نگرستن، سرکشی تو را می‌خواهاند و تیزی تو را فرو می‌نشانند و خرد رفته‌ات را به جای باز می‌گرداند.